

# کوروش کبیر

## یا ذوالقرنین قرآن مجید

دکتر میر مهرداد میرسنجری

عکس: بهزاد ترکی زاده

بنما بر فرموده قرآن مجید، ذوالقرنین، پادشاهی دادگر بود و نسبت به رعیت عطفوت داشت و هنگام کشورگشایی و غلبه قتل و کینه ورزی را اجازه نمی داد. از این روی، هنگامی که بر قومی در غرب چیره شد، پنداشتند، او هم مانند دیگر کشورگشایان خونریزی آغاز خواهد کرد، ولی او بدین کار دست نبرد، بلکه به آنان گفت: هیچ گونه بیمی باکان شما در دل راه ندهند و هر یک از شما که عملی نیکو کند، پاداش آن را خواهد دید.

با آن که آن قوم بی یاور و دادرسی در چنگال قدرت او بودند، با ایشان شفقت کرد و به دادگری و نیکوکاری دل آنان را به دست آورد.

بر پایه شواهد انکار ناپذیر تاریخی، همگی این ویژگی ها بر کوروش هخامنشی منطبق است که نمونه بارز خوی انسانی و رأفت و مدارای کوروش را در رفتار او با مردم بابل پس از فتح این سرزمین، در تاریخ می بینیم.

بسیار این حال، برخی تلاش می کنند چنگیز و آتیلا و یا اسکندر مقدونی را ذوالقرنین معرفی نمایند، در حالی که هیچ یک از صفات آمده در قرآن مجید بر این جهانگشایان ظالم خونریز قابل انطباق نیست.

ذکر این نکته لازم است، بنا بر نوشته مورخان یونانی، کوروش کبیر از چنان جایگاه بزرگی برخوردار بوده که حتی اسکندر گجستک با وجود یورش وحشیانه به ایران و تسخیر و آتش زدن تخت جمشید به پاسارگاد مقبره کوروش رفته، در برابر مزار آن بزرگ مرد زانو زده و مراتب احترام خود را به کوروش کبیر بجا آورده است.

بنما بر فرموده قرآن مجید، ذوالقرنین می گوید: «هذا فتح من ربی»؛ یعنی «همه فتوحات من نتیجه لطف خداست» و ما هیچ گاه در تاریخ، نه از اسکندر و نه از خاقان بت پرست مغول تبار زرد پوست، چنین گفتاری سراغ نداریم و سلاطین حمیری یمن نیز در حد فاتحان بزرگ نبوده اند.

۲- واژه ذوالقرنین در قرآن مجید به معنای فردی است که دو شاخ در بالای سر او قرار دارد. همان گونه که در تصویر حجاری شده کوروش کبیر در تخت جمشید دیده می شود؛ کلاهی با دو شاخ در بالای سر او به خوبی نمایان است.

در ترجمه تفسیر المیزان جلد ۱۳ صفحه ۵۳۹ آمده است: «در کتاب دانیال هم خوابی که وی برای کورش نقل کرده، به صورت قوچی که دو شاخ داشته دیده است.» در آن کتاب چنین آمده: در سالسوم از سلطنت بیلشاصر پادشاه، برای من که دانیال هستم بعد از آن رؤیا که بار اول دیدم رؤیایی دست داد که گویا من در شوش هستم؛ یعنی در آن قصری که در ولایت عیلام است، می باشم و در خواب می بینم که من در کنار نهر «اولای» هستم. چشم خود را به طرف بالا کشودم. ناگهان قوچی دیدم که دو شاخ دارد و در کنار نهر ایستاده و دو شاخش بلند است؛ اما یکی از دیگری بلندتر است که در عقب قرار دارد. قوچ را دیدم به طرف مغرب و شمال و جنوب حمله می کند و هیچ حیوانی در برابرش مقاومت نمی آورد و راه فراری از دست او نداشت و او هر چه دلش می خواهد، می کند و بزرگ می شود. در این بین که من مشغول فکر بودم، دیدم نر بزی از طرف مغرب نمایان شد. همه ناحیه مغرب را پشت سر گذاشت و پاهایش از زمین بریده است و این حیوان تنها یک شاخ دارد که میان دو چشمش قرار دارد. آمد تا رسید به قوچی که گفتم دو شاخ داشت و در کنار نهر بود.

سپس با شدت و نیروی هر چه بیشتر دویده، خود را به قوچ رسانید. با او درآویخت و او را زد و هر دو شاخش را شکست و دیگر تاب و توانی برای قوچ نماند. بی اختیار در برابر نر بزی ایستاد. نر بزی قوچ را به زمین زد و او را لگدمال کرد و آن حیوان نمی توانست از دست او

همزمان با ورود منشور کوروش کبیر به ایران زمین - به عنوان نخستین اعلامیه حقوق بشر در دنیا - و اعلام قریب الوقوع نمایش همگانی آن - هر چند به مدت کوتاه (چهار ماه) - در میهن دوستان ایرانی، شور و شوقی وصف ناپذیری را موجب شده است.

منشور کوروش، نه تنها به عنوان یک میراث ارزشمند ملی برای همه ایرانیان و یک میراث جهانی برای جهانیان، که به عنوان یک میراث گرانبوار اسلامی، می تواند موجب مباحثات باشد، چرا که با تحقیقات روان شاد علامه آیت الله استاد طباطبایی، استاد شهید مرتضی مطهری اثبات شده که ذوالقرنین، همان کوروش هخامنشی است.

در قرآن مجید، آیه های ۸۳ تا ۹۹ سوره کهف، از کوروش کبیر با نام ذوالقرنین به عنوان فردی یکتاپرست، صالح، دادگر و انسان دوست و به عنوان یکی از بندگان شایسته و برگزیده خداوند به نیکی یاد می کند. این در حالی است که نام بنیانگذار نخستین و بزرگترین امپراتوری دنیا، نه تنها در قرآن مجید بلکه حتی در کتاب های عهد عتیق (از جمله تورات) نیز به عنوان یک انسان برگزیده و بلند مرتبه ثبت و ضبط شده است. اما متأسفانه، دشمنان فرهنگ و تمدن ایرانی به هر راهی متوسل می شوند تا با پیشینه تمدنی ایرانیان را نفی کنند، یا دستاوردهای فرهنگی تاریخی، فرهنگ کهن ایرانی و میراث کهن همه ایرانیان از آذری و کرد گرفته تا بلوچ و تاجیک را به یک دسته قومی خاص نسبت دهند!

این گونه است که به رغم این که ظهور زرتشت پیامبر ایرانی بنا بر نوشته های ارسطو و بطلمیوس (بیش از دو هزار سال پیش) به شش هزار سال پیش از آنها، یعنی هشت هزار سال پیش بازمی گردد، پیشینه ظهور او را تعدا به سه هزار سال پیش کاهش می دهند! این ضد ایرانیان بیگانه پرست، چشمان خود را بر همه شواهد و استنادات انکارناشدنی تاریخی می بندند و بیهوده می کوشند ذوالقرنین را با آتیلا و چنگیز، بزرگترین فرمانروایان ظالم و خونریز مغول تبار و زرد پوست آسیای میانه یا اسکندر گجستک جوان متجاوز، بی اخلاق، چند خدا، ظالم و خون ریز یونانی تطبیق دهند. این در حالی است که اتسان های فرهیخته و دانشمندان بزرگی چون علامه آیت الله طباطبایی و پروفسور عبدالکلام آزاد (دانشمند شهیر هندی) با دلایل متقن به اثبات رسانده اند که ذوالقرنین، همان کوروش کبیر، بنیانگذار امپراتوری بزرگ هخامنشی در ایران بوده است.

نظری قطعی علامه طباطبایی در المیزان بنا بر شواهد تاریخی محکم این است: «ذوالقرنین قرآن همان کوروش کبیر هخامنشی است.»

استاد علامه طباطبایی می گوید: اگر ذوالقرنین قرآن، مردی مومن به خدا و به دین توحید بوده، کوروش نیز این چنین بوده و اگر ذوالقرنین، پادشاهی عادل و رعیت پرور بوده، کوروش نیز چنین بود؛ اگر او نسبت به ستمگران و دشمنان مردی سیاستمدار بوده او نیز بود؛ اگر دین، عقل، فضایل اخلاقی و ثروت و شوکت داشت، کوروش هم داشت؛ همان گونه که قرآن فرموده کوروش نیز سفری به سوی مغرب کرد، بر لیدی و پیرامون آن مسلط شد و بار دیگر به سوی مشرق سفر کرد. آنجا مردمی دید صحرانشین و وحشی که در بیابان زندگی می کردند. برای همین، به آنها کمک کرد، سدی ساخت در مقابل قبیله و قومی که آنها را آزار می دادند؛ در تنگه داریال میان کوه های قفقاز و نزدیک به شهر تفلیس (تفسیر المیزان، علامه طباطبایی).

در زیر اصلی ترین مستندات تطبیق ذوالقرنین با کوروش کبیر به اجمال بیان می شود:

۱- یکتاپرستی، نیکو کرداری، رأفت و انسان دوستی از صفات گفته شده ذوالقرنین در کتاب آسمانی مسلمانان است.

## پیام منشور



حسن محسنی

مشاور رییس و مدیر کل روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

کوکچ گلی که در پیامی است که بیش از ۲۵۰۰ سال در دل خود نگاه داشته و به بشر امروز رسانده است. بی شک پیام های متعالی و اندیشه های والای ذکر شده در منشور کوروش، بیش از آنکه حاصل تفکر یک فرد باشد، از فرهنگ بی بدیل یک ملت بزرگ و دارای فرهنگ غنی انسانی سر چشمه گرفته است. کوروش و اندیشه او عصاره و چکیده فرهنگ مردمانی است که همواره و در همه برهه های تاریخی، نودوستی، آزادی، احترام به ادیان و اندیشه های مختلف را به عنوان ارزش های متعالی پاس داشته اند.

فرصت گماشته نمایش منشور کوروش در موزه ملی ایران حاصل تلاش چندین ماهه مسئولان و دست اندرکاران سازمان میراث فرهنگی و موزه ملی است که با کمترین هزینه و نیز در عین حفظ عزت، سربلندی و احترام طرف ایرانی به ثمر نشست. این مسئله ضمن نشان دادن توانایی ها و ظرفیت های بالای کشور و سازمان میراث فرهنگی در مذاکرات دیپلماتیک برگ زرین دیگری بر افتخارات این سازمان که حاصل اقدامات جدی و پیگیر مسئولان آن است افزود.

این فرصت ۴ ماهه مجال است تا علاوه بر بازدید های معمول و مرسوم از منشور کوروش، برنامه ریزی هایی در جهت فرهنگ سازی با موضوع بررسی و تبیین متن فرمان کوروش انجام شود و از این طریق مفاهیم و پیام های متعالی آن به حوزه های مختلف انسانی و فرهنگی انتقال یابد. در این راستا هم اینک یک کمیته علمی محتوایی به ریاست پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی تشکیل شده و قرار است همایش و کارگاههای تخصصی مرمت و نیز یک همایش بین المللی با موضوع منشور کوروش برگزار شود.

میراث فرهنگی ما علاوه بر آثار تاریخی به جا مانده از پیشینیان، به شخصیت، فرهنگ و اندیشه های آنان مرتبط می شود و سازمان میراث فرهنگی به منشور کوروش نیز مانند دیگر آثار بر جای مانده از گذشتگان از این زاویه می نگرد.

شمالی ترین منطقه ایرانی نشین و فارسی زبان قفقاز که هم اکنون یکی از جمهوری های روسیه است - و تفریس نشان داده می شود در همان جا که تاکنون دیوار آهنین باستانی موجود است و شک نیست که این دیوار همان سدی است که کوروش بنا کرده، زیرا اوصافی که قرآن بیان کرده، درباره سد ذوالقرنین کاملاً بر آن منطبق است و همان گونه که قرآن یادآور شده، الواح آهنین در ساختمان آن به کار رفته و مس گذاشته برای بستن مفاصل و رخنه های آن استعمال شده و در میان دو دیوار کوهستانی بنا شده است. با در نظر گرفتن بازمانده سدی که هم اکنون در گذرگاه داربال قفقاز موجود است و شهادت کتب آرمی - که این ناحیه را (بهاک کورائی) و (کابان کورائی) می گویند و به معنی گذرگاه و یا دره کوروش است - شکی نمی ماند که کوروش به سمت شمال غربی ایران رفته و از نواحی ای که امروز به نام دربند و معبر داربال معروف است، گذشته و در آنجا سدی بنا کرده تا مانع هجوم سکاهاى متجاوز شود.

در آنجا به دستور کوروش آهن و فلز فراوان آوردند و سدی از آهن بسان دیواری در معبر میان دو کوه که تنها راه عبور و مرور اقوام وحشی سسکایی بود، بنا شد؛ این سد تنگه باریک میان دو کوه را می بست و مانع گذشتن سواران یغماگر سسکایی بود و به همین جهت این دره به نام دره کوروش نامیده شده است. بنا بر شواهد تاریخی، کوروش کبیر پس از فرو نشاندن بیابان گردان شرق کشور به شمال ایران و قفقاز می رود و به دادرسای از مردم آن سامان می پردازد و برای جلوگیری از تهاجم متجاوزان بیابانگرد، از شمال کوه های قفقاز به درون خاک ایران، سدی را برای مردم آن سامان در قفقاز بنا می کند که در ساخت آن، از پاره های سنگ و آهن استفاده شد. جالب این که در نزدیکی تفریس در قفقاز - که در همه تاریخ تا کمتر از دویست سال پیش در قلمرو ایران بوده - بقایای سدی کشف شده است که بر پایه پژوهش های علمی با کمال شگفتی در ساختمان آن، از ترکیبی از سنگ و آهن استفاده شده و جالب تر این که نام تاریخی رودی که در نزدیکی این سد قرار دارد، نیز «کوروش» است!

چند تن از بزرگان ای که بر یکی بودن ذوالقرنین قرآن و مسیح عهد عتیق با کوروش هخامنشی گواهی داده اند، عبارتند از:

- ۱- مولانا ابوالکلام آزاد، مفسر بزرگ قرآن و وزیر فرهنگ هند در زمان گاندی در تفسیر البیان،
- ۲- ترجمه تفسیر سوره کهف از باستانی باریزی
- ۳- علامه طباطبایی در تفسیر المیزان،
- ۴- آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی و ده نفر از مفسران بزرگ قرآن در تفسیر نمونه (مانند قرآنی، امامی، آشتیانی، حسینی، شجاعی، عبدالمی و محمدی)،
- ۵- تائنده کتابی در کتاب سه داستان عرفانی از قرآن،
- ۶- آیت الله میر محمد کریم علوی در تفسیر کشف الحقایق (با ترجمه عبدالمنجید صادق نوبری)،
- ۷- حجت الاسلام سید نورالدین ابطحی در کتاب ایرانیان در قرآن و روایات،
- ۸- دکتر علی شریعتی در کتاب بازشناسی هویت ایرانی اسلامی،
- ۹- صدر بلاغی در قصص قرآن،
- ۱۰- جلال رفیع در کتاب بهشت شاد،
- ۱۱- دکتر فاروق صفی زاده در کتاب از کوروش هخامنشی تا محمد خاتمی،
- ۱۲- منوچهر خدایار در کتاب کوروش در ادیان آسیای غربی،
- ۱۳- قاسم آذینی فر در کتاب کوروش پیام آور بزرگ،
- ۱۴- دکتر فریدون بدره ای در کتاب کوروش در قرآن و عهد عتیق،
- ۱۵- محمد کاظم توانگر زمین در کتاب ذوالقرنین و کوروش،
- ۱۶- آیت الله سید محمد فقیه استاد اخلاق، حافظ کل قرآن و نماینده مجلس خبرگان دوم،
- ۱۷- استاد محیط طباطبایی،
- ۱۸- حجه الاسلام شهید هاشمی نژاد،
- ۱۹- سر احمدخان نینان گذار دانشگاه اسلامی علیگر هند.

بگریزد، و نر بز بسیار بزرگ شد.

آنگاه می گوید: جبرئیل را دیدم و او رؤیای مرا تعبیر کرده، به طوری که قوچ دارای دو شاخ با کوروش و دو شاخش با دو مملکت فارس و ماد منطبق شد و نر بز که دارای یک شاخ بود با اسکندر مقدونی منطبق شد. و اما سیر کوروش به طرف مغرب و مشرق؛ اما سیرش به طرف مغرب همان سفری بود که برای سرکوبی و دفع «لیدی» کرد که بالشکرش به طرف کوروش می آمد و آمدنش به ظلم و طغیان و بدون هیچ عذر و مجوزی بود. کوروش به طرف او لشکر کشید و او را فراری داد و تا پایتخت کشورش تعقیبش کرد و پایتختش را فتح نموده او را اسیر نمود و در آخر، او و سایر یاورانش را عفو نموده، اکرام و احسانشان کرد؛ با این که حق داشت، سیاستشان کند و به گلی، نابودشان سازد و انطباق این داستان با آیه شریفه «حتی اذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب فی عین حمئة».

۳- در قرآن مجید آمده که ذوالقرنین در آغاز فرمانروایی خود، به منطقه ای که آفتاب غروب می کند، حمله کرده و پیروزی های بزرگی به دست آورده است. سپس به سوی شرق شتافت و در آن سامان، هم به پیروزی دست یافت و پس از آن، به مکانی رفت که آفتاب از آن طلوع می کرد؛ یعنی شرق و آنان پوششی برای محافظت خود نداشتند. مقابل آفتاب سوزان اشاره به این که منطقه بیابانی بوده و سکنه چادرنشین و کوچ رو برای آب و غذا و اشارت به سکنه مغولی و سسکایی آسیای میانه دارد.

همان گونه که می دانیم، نخستین حمله بزرگ کوروش کبیر به غرب ایران و سرزمین لیدی (در باختر آسیای کوچک یا ترکیه امروزی) بوده که به پیروزی کوروش و تابعیت لیدی به امپراتوری ایران انجامید. فرمانروایان لیدی که با بابل و مصر و حکومت های آسیای صغیر متحد شده بودند، برای تصرف بخشی از ایران، در صدد ضربه زدن به کوروش برآمدند. کوروش پس از آگاهی از این توطئه، سپاهانش را به طرف سارد، پایتخت لیدی گسیل داشت.

وی در این نبرد نیز پیروز بود. در نتیجه این حمله در ۵۴۷ ق.م سسار و شهرهای آسیای صغیر، یکی پس از دیگری به دستم پر توان کوروش کبیر سقوط کرد.

در تاریخ به این نکته اشاره شده که کوروش کبیر، پس از نبرد موفقیت آمیز در غرب ایران زمین (لیدی) برای سر و سامان دادن به شورش اقوام بیابانگردی که متجاوز و وحشی و خونریز بودند، به شمال شرق ایران بزرگ لشکر کشی کرد و موفق به فرو نشاندن آنان و تأمین امنیت مرزهای شرق و شمال شرق ایران شد.

۴- سد یا جوج و ما جوج و مکان آن: یکی دیگر از مشخصات ذوالقرنین در قرآن، عزیمت او به مناطق شمالی و رویارویی با قوم یا جوج و ما جوج بوده است و علاوه بر این، ایجاد سد یا جوج و ما جوج که در ساخت آن از آهن استفاده شده نیز در قرآن به ذوالقرنین نسبت داده شده است. جالب این که در تورات هم به ساختن سدی از جنس آهن اشاره شده است؛ آنجا که از قول کوروش خطاب به خداوند یکتا می گوید: «من ای کوروش، پیش روی تو خواهم خرامید... جای ناهموار را برایت هموار می کنم، درهای برنجین را می شکنم، پشت بندهای آهنین را خواهم برید...» در تعیین محل استقرار این سد، گمانه زنی های متعددی شده و حتی برخی آن را همان دیوار بزرگ چین تصور کرده اند، در حالی که کلید حل این معما در خود قرآن نهفته که کاربرد آهن در ساخت این سد مورد تأکید قرار گرفته که با توجه به این که در ساخت دیوار بزرگ چین هیچ گونه مواد آهنی به کار گرفته نشده، این نظریه مردود است.

در سرزمین میان دریای کاسپین و دریای سیاه، سلسله کوه های قفقاز به صورت دیواری راه های میان شمال و جنوب را بسته است؛ مگر یک راه که باز گذاشته و آن تنگه ای است که در میان رشته کوه هایی واقع شده و شمال و جنوب را به هم متصل می سازد و این تنگه در عصر حاضر، تنگه داربال نامیده می شود و در نقشه های موجود میان شهر ولادی قفقاز - پایتخت جمهوری اوستیای شمالی،